



فارابی مهمترین رکن تمدن را عقیده و باور می‌داند

معاون پژوهش جامعه المصطفی العالمیه نمایندگی خراسان با بیان اینکه از منظر فارابی، مغز متفکر و لایه تعیین‌کننده تمدن، عقاید و باورهایست تصریح کرد: سطح دیگر هم سطح عملی و اجرایی یعنی اراده و حرکت مردم است و این باورهایست که به حرکت مردم جهت و سمت می‌دهد.

معاون پژوهش جامعه المصطفی العالمیه نمایندگی خراسان با بیان اینکه از منظر فارابی، مغز متفکر و لایه تعیین‌کننده تمدن، عقاید و باورهایست تصریح کرد: سطح دیگر هم سطح عملی و اجرایی یعنی اراده و حرکت مردم است و این باورهایست که به حرکت مردم جهت و سمت می‌دهد.

ارسال/ فارابی مهمترین رکن تمدن را عقیده و باور می‌داند به گزارش ایکننا، حجت الاسلام و المسلمین سیدمحمد معلمی؛ معاون پژوهش جامعه المصطفی العالمیه نمایندگی خراسان، شامگاه هفتم آبان ماه در پیش نشست همایش ملی «ما و غرب در آراء و اندیشه حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای» که با موضوع «از نهضت‌های ضد استعماری تا دکترین مقاومت اسلامی» برگزار شد با بیان اینکه مقام معظم رهبری در پیامشان به مناسبت همایش صدمین سال تاسیس حوزه با عنوان حوزه پیشرو و سرآمد بر لزوم تحقق تمدن اسلامی تاکید فرمودند، گفت: حوزه باید در این عرصه احساس مسئولیت کند و بار علمی آن را بر دوش بکشد.

وی با اشاره به تعریف تمدن افزود: تمدن در لغت از ماده مدنیت گرفته شده و به زندگی منظم و توأم با پیشرفت و علم شهری را می‌گویند؛ بیش از ۷۰ تعریف از سوی جامعه‌شناسان، مردم‌شناسان و فلاسفه و ... برای تمدن بیان شده و اجمالا به زندگی شهری در برابر بادیه‌نشینی است که از آن تعبیر به الحضاره در زبان عربی می‌شود.

معاون پژوهش جامعه المصطفی خراسان با بیان اینکه تمدن در اصطلاح همان است که فارابی از آن تعبیر به مدینه کرده است و مدن هم شامل فاضله و ضاله و ... است، اظهار کرد: معنایی را که فارابی از مدینه بیان کرده است نزدیکی زیادی به اصطلاح تمدن دارد؛ اکثر شارحان معتقدند که مدینه در آراء فارابی چند رکن دارد؛ اول عقیده و باور یعنی گروهی از مردم که با یک عقیده و باور در یک منطقه زندگی می‌کنند یک تمدن درست کرده اند لذا عقیده اساس و باور تمدن از منظر فارابی است. رکن دوم سان یا سنت گذار است یعنی کسی که قانون وضع کرده و اداره جامعه را با قانون انجام می‌دهد؛ فارابی رکن سوم را هم همراهی مردم در اجرای قانون می‌داند.

معلمی تصریح کرد: بنابراین سه رکن ارکان اصلی تمدن و مدنیت در نگاه فارابی را بدانیم؛ لایه ای‌ترین بنیاد و مرحله تمدن، باورها و عقاید است یعنی اینکه نگاه ما به هستی و انسان و غایت آن چیست و آیا دسترسی به شناخت جهان داریم یا خیر؟ هر دیدگاه هستی‌شناسانه که داشته باشیم در مرحله بعد سنت گذار و قانونگذار مشخص خواهد شد یعنی کسی که هنجارها و قانون را تعیین کرده و ضمانت اجرای آن را هم برعهده دارد. در مرحله سوم هم حضور و همراهی مردم در ایجاد تمدن است. فارابی اراده مردم را هیچگاه در ایجاد تمدن نادیده نمی‌گیرد.

استاد حوزه علمیه با بیان اینکه مغز متفکر و لایه تعیین‌کننده تمدن، عقاید و باورهایست تصریح کرد: سطح دیگر هم سطح عملی و اجرایی یعنی اراده و حرکت مردم است و این باورهایست که به حرکت مردم جهت و سمت می‌دهد. بنابراین تمدن براساس این بیان قابل تقسیم به دو قسم اصلی است؛ یکی مدینه فاضله و دیگری غیرفاضله؛ از نظر فارابی مدینه فاضله فقط یکی است و تمدن فاضله متعدد نداریم زیرا عقیده و باور در مدینه فاضله مبتنی بر عقل قدسی یا عقل پیامبر(ص) و ائمه(ع) است. وظیفه قانونگذاری در تمدن اسلامی

معلمی بیان کرد: در مرحله سنت گذاری و قانونگذاری هم صاحبان عقل قدسی با دستور شریعت قانونگذاری می‌کند و مردم هم اگر دیندار باشند و این قوانین را بپذیرند تمدن فاضله ایجاد خواهد شد؛ برخی از واژه تمدن دینی استفاده می‌کنند یعنی تمدنی که براساس دین حرکت می‌کند.

معلمی اظهار کرد: تمدن‌های غیردینی متکثر هستند زیرا جهان بینی و هستی‌شناسی آنان متفاوت است؛ ایشان این نوع تمدن را به دو دسته تقسیم کرده است؛ مدن جاهله و ضاله یا تمدن‌های سکولار و ...؛ تمدن‌های سکولار تنها منبع شناخت را حس، خیال و وهم می‌دانند و عقل و وحی را کنار می‌گذارند لذا جهان مادی صرف خواهد شد و افقی فراتر از آن وجود ندارد.

معاون پژوهش نمایندگی خراسان المصطفی(ص) تصریح کرد: قانونگذاری در این مدن هم طبیعتاً منحصر به شناخت محسوسات عالم است. در دوره عرب جاهلی تعصب قبیله ای حاکم بود ولی اسلام آن را در قالب صله رحم بازخوانی و بازتعریف کرد.

وی با بیان اینکه لایه‌های تمدن با هم مرتبط هستند، اضافه کرد: بنابراین اگر ما بخشی از تمدن غرب را کسب کنیم در این صورت

ممکن است ما را به لایه های دیگر هم ببرد؛ اگر در سطح ساختارهای اقتصادی یا آموزشی و ... از غرب استفاده کنیم باید احتمال دهیم که ریشه های تمدن غرب هم در تمدن اسلامی، نفوذ پیدا کند.

معلمی بیان کرد: در یک جامعه اگر تمدن و مظاهر تمدنی مختلف وجود داشت و این مظاهر با همدیگر در تضاد قرار گرفت در این صورت بحران هویت آن تمدن و جامعه را فراخواهد گرفت و وقتی این بحران بالا گرفت دو حالت دارد یا اینکه تمدن موجود می تواند در برابر هجوم تمدن مهاجم مقاومت کند یا تسلیم خواهد شد؛ دکترین مقاومت در حالت اول و برای تمدنی رخ می دهد که استعداد و ریشه و توان مقاومت و ایستادگی دارد.

معاون جامعه المصطفی خراسان اضافه کرد: اگر تمدن به خاطر خود فروختگی و یا سستی اراده تسلیم شد در این صورت دچار فروپاشی خواهد شد و نخواهد توانست مقاومت کند.